

تصمیم کابینه امنیتی تل آویو برای کنترل کامل غزه، ارتش صهیونیستی را به اعزام شش لشکرواداشته است

مأموریتی پرهزینه و بی‌پایان



کابینه امنیتی رژیم صهیونی تصمیم گرفته کنترل کامل نوار غزه را در دست بگیرد؛ دولت برای رد اتهام اشغال بلندمدت، اهدافی را اعلام کرده تا نشان دهد با تحقق آن‌ها کنترل را واگذارد و عقب‌نشینی می‌کند؛ آزادسازی تمام اسرا، خلع سلاح غزه و برکناری حماس از حکومت این اهداف را تشکیل می‌دهند. مهم‌ترین پیامد این تصمیم اعلام سراسر غزه به‌عنوان محیط عملیاتی است. از آنجا که اکثریت ساکنان غزه در یک‌پنجم محیط آن فشرده شده‌اند، تصمیم به کنترل کامل ورود به این مناطق متراکم می‌شود. رژیم صهیونی در طول جنگ این مناطق را امن اعلام کرده بود که باعث افزایش جمعیت حاضر در آن‌ها شد. با گسترش عملیات به این مناطق تلفات افزایش شدیدی خواهند داشت. بمباران‌های شدید و هجوم قوای زمینی، مناطق متراکم را به سمت وضعیتی سخت سوق می‌دهد. تمام دشواری‌ها اما برای ساکنان غزه نیست. صهیونیست‌ها خود بزرگ‌ترین قربانی تصمیم جدیدشان هستند و پیش از اجرای آن با برخی تبعاتش مانند تشدید انزوی بین‌المللی و التهاب داخلی مواجه شده‌اند. از نظر نظامی مانع بزرگ، کمبود نیروست. رسانه‌های عبری گزارش داده‌اند ایال زمیر، رئیس ستاد مشترک ارتش معتقد است کنترل غزه به ۲۰۰ هزار نیروی ذخیره نیاز دارد. زمیر تأکید کرده نیروهای ذخیره همین امروز هم به دلیل نبرد طولانی مدت خسته‌اند.

■ ■ ■

نیمی از لشکرها در غزه

نیروی زمینی ارتش رژیم صهیونی در مجموع دارای ۱۳ لشکر است. از این تعداد ۶ مورد لشکرهاي دفاع منطقه‌ای هستند؛ چهار لشکر ۸۰ ایدوم (منطقه جنوبی، مرز مصر تا خلیج عقبه)، ۹۱ گالیل (شمال، مرز لبنان و سوریه)، ۹۹ هابازک (مرکز، ششمال تل آویو تا کرانه باختری) و ۸۷۷ یهودا و سامره (کرانه باختری) صرفاً دفاع منطقه‌ای هستند. در لشکر ۱۴۳ غزه و ۲۵۲ سینا اما ترکیبی‌اند و علاوه بر نقش منطقه‌ای، عملیاتی نیز به حساب می‌آیند. لشکرهاي منطقه‌ای از نظر تسلیحات و خودرویی سبک‌ترند و نقش دفاعی دارند، درحالی‌که لشکرهاي عملیاتی از قابلیت تحرک و هجوم با پیشروی در محیط برخوردارند. در نبردها، لشکرهاي منطقه‌ای به دلیل مشخص‌بودن حوزه دفاعی خود نباید به مناطق دیگر منتقل شوند؛ اما درطول جنگ طوفان الاقصی این اتفاق رخ داد. از این‌رو مواقع بحرانی که کمبود نیرو و پیش‌بیايد، لشکرهاي دفاع منطقه‌ای هم منتقل می‌شوند. ارتش رژیم صهیونی دارای هفت لشکر عملیاتی است که اگر دو لشکر منطقه‌ای دارای توان عملیاتی به همراه تیپ‌های تقریباً مستقل نیز محاسبه شوند، مجموع توان عملیاتی به ۱۰ لشکر می‌رسد. عملیات در غزه نیازمند حضور ۶ لشکر است؛ یکی از این لشکرها، لشکر ۱۴۳ غزه است که ترکیبی و منطقه‌ای – عملیاتی است. در میان پنج لشکر باقی‌مانده احتمالاً تمام لشکرها از میان یگان‌های عملیاتی نخواهند بود و عناصری از لشکرهاي منطقه‌ای برای نبرد اعزام می‌شوند.

از این‌رو برای نسبت‌گیری باید ۶ لشکر عملیاتی را بر مبنای ۱۳ لشکر موجود دید. در این صورت نیمی از کل استعداد نیروی زمینی درگیر حضور در تمام مناطق غزه خواهد شد.

وضعیت نظامی

فشار اصلی در عملیات پیش‌رو مانند اکثر اقدامات قبلی روی نیروی زمینی است. درباره اثرات نظامی این عملیات نکاتی وجود دارند.

۱ نیروی زمینی ارتش رژیم صهیونی وابستگی بالایی به نیروهای ذخیره دارد. این امر مشکلاتی را تحمیل می‌کند. این افراد غیرنظامی و به کسب‌وکار مشغولند؛ یاد باید به جنگ اعزام شوند که اغلب حضورشان اجباری است. از این‌رو تن تعادل میان زندگی و کسب‌وکار غیرنظامی سربازان

■ ■ ■

نگاهی به تناقضات حقوقی و سکوت جامعهٔ جهانی در جنگ ۱۲روزه با رژیم صهیونیستی

حمله به غیرنظامیان؛ تروریسم دولتی یا دفاع مشروع؟

در پی حملات رژیم صهیونیستی به تأسیسات غیرنظامی و غیرنظامیان ایرانی در ژوئن ۲۰۲۵، پرسش‌هایی جدی درباره سکوت مجامع حقوقی بین‌المللی در قبال آن مطرح شده است. این حملات که با هدف قرار دادن مراکز هسته‌ای، مناطق مسکونی و حتی جلسه شورای عالی امنیت ملی ایران همراه بود، یادآور الگو‌هایی است که پیش‌تر در پرونده‌های تروریسم دولتی – مانند حمله آمریکا به غیرنظامیان افغانستان تحت عنوان «جنگ با ترور» یا ترور هدفمند دانشمندان توسط موساد – به عنوان نقض حقوق بشردوستانه محکوم شده‌اند. آیا می‌توان ردپای همان معیارهای دوگانه‌ای را در این رویداد یافت که شورای امنیت را به دلیل وتوی آمریکا از صدور قطعنامه علیه اسرائیل بازداشته است؟ در گفت‌وگو با یاسر شاکری، عضو هیئت علمی دانشگاه، تلاش کرده‌ایم به این پرسش و پرسش‌های مشابه آن پاسخ دهیم.

■ ■ ■

آیا حمله اسرائیل به غیرنظامیان و تأسیسات غیرنظامی ایران را می‌توان مصداق «تروریسم دولتی» دانست؟

در حقوق بین‌الملل، «تروریسم دولتی» به‌صورت صریح در هیچ کنوانسیون بین‌المللی تعریف نشده است، اما می‌توان آن را به‌عنوان استفاده عمدی یک دولت از خشونت غیرقانونی علیه غیرنظامیان یا زیرساخت‌های غیرنظامی با هدف ایجاد ترس یا فشار سیاسی تعریف کرد. طبق ماده (۴)۲ منشور سازمان ملل متحد، هرگونه استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی یک دولت ممنوع است، مگر در موارد دفاع مشروع (ماده ۵۱) یا با مجوز شورای امنیت. حملات اسرائیل به تأسیسات غیرنظامی ایران، مانند زیرساخت‌های انرژی یا رسانه‌ای و هدف قرار دادن غیرنظامیان، نقض اصل تمایز (distinction) مندرج در ماده ۴۸ پروتکل الحاقی اول کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۷۷) است که حملات به غیرنظامیان و اشیاء غیرنظامی را ممنوع می‌کند. گزارش‌های سازمان ملل نشان می‌دهد که حملات اسرائیل در ژوئن ۲۰۲۵ به تأسیسات هسته‌ای، زیرساخت‌های نظامی و مناطق مسکونی ایران که منجر به کشته شدن حدود ۲۲۴ نفر (۹۰ درصد غیرنظامی) شد، نقض اصول تمایز، تناسب (proportionality) و احتیاط (precaution) است. این اقدامات می‌توانند به‌عنوان «تروریسم دولتی» تلقی شوند، زیرا هدف



نیروهای ذخیره تأثیر داشت. به نظر می‌رسد با توجه به مدت‌زمان زیادی که برای تکمیل فرایند نیاز است، آن فراخوان ۴۵۰ هزارنفری برای عملیات بزرگ در غزه صورت‌گرفته بود. البته ایسن احتمال وجود دارد که آن فراخوان دلیلی دیگری نداشته و با تغییر تصمیم‌ها قرار شده قوای گردآوری شده در عملیات جدید به کار روند.

۶ دو اقدام برای کاهش سربازان انجام شده است؛ اول افزایش روزهای خدمت نظامیان ذخیره در سال و دوم افزایش تعداد این نظامیان از طریق بالا برد سقف سن خدمتی که آن را برای سربازان به ۴۶ سال و برای افسران به ۵۰ سال رسانده است. سخت‌گیری بر نظامیان ذخیره در حالی است که حریدی‌ها همچنان عمدتاً از خدمت نظامی معافند.

۷ با وقوع جنگ آشکار شد که دو اشتباه بزرگ در قوای نظامی رژیم وجود دارد؛ اتکای بالا بر فناوری و دوم نظامیان ذخیره. با ناکامی بهره‌برداری از فناوری در کشف عملیات ۷ اکتبر، خطوط مقدم دچار فروپاشی شدند و تزیق قوای ذخیره نیز زمان‌بر بود. با طولانی شدن جنگ فرسایش و ناظرمانی نیروهای ذخیره در‌دسراسر شد. راهکار حل این بحران افزایش پرسنل نظامی فعال و مأموق‌ت بود. به عبارتی در درمان موردنیاز جذب نظامیان رسمی بیشتر است؛ اما در عمل و در حرکتی معکوس با روند در مان، تل آویو با تشدید فشار سربازگیری از نظامیان ذخیره در حال تعمیق بحران است.

۸ رژیم صهیونی با ۱۸ هزار و ۵۰۰ زخمی و یک هزار کشته در نیروی زمینی روبه‌رو است که معادل نفرات دو تا سه لشکرتند. دوسوم این تلفات مربوط به نیروهای ذخیره است، به این معنا که تقریباً ۱۲ هزار نفر از لیست نفرات قابل فراخواندن کمتر شده است.

موانع

علاوه بر وضعیت نیروی زمینی در حوزه خارجی نیز مشکلاتی در برابر صهیونیست‌ها ایجاد شده‌اند که شامل رشد مخالفت‌ها با اقدامات رژیم صهیونی و تلاش برای تغییر رفتار آن با تحریم‌های اقتصادی و نظامی می‌شود. دولت‌های بیشتری به روند ممنوعیت ارسال تسلیحات برای رژیم صهیونی پیوسته‌اند. این تحریم‌ها بیشتر از هر چیز تأمین قطعات، تجهیزات انفرادی، مهمات و مواد اولیه لازم در صنایع نظامی را هدف قرار می‌دهند. ممنوعیت ارسال قطعات ناوهای جنگی توسط هلند یک نمونه از این تلاش‌هاست. آلمان نیز به روند مزبور پیوسته که شاخص مهمی است. برلین به دلیل شکست در جنگ جهانی دوم محکوم‌شدن در قضیه هولوکاست

■ ■ ■

نگاهی به تناقضات حقوقی و سکوت جامعهٔ جهانی در جنگ ۱۲روزه با رژیم صهیونیستی

حمله به غیرنظامیان؛ تروریسم دولتی یا دفاع مشروع؟

شواهد معتبر درباره فعالیت‌های تسلیحاتی و عدم وجود وضعیت مخاصمه امنیت بین ایران و اسرائیل، این توجیه را از منظر حقوقی بی‌اعتبار می‌کند. همچنین، این اقدامات می‌توانند نقض کنوانسیون ۱۹۷۱ در مورد پیشگیری و مجازات جرایم علیه افراد تحت حفاظت بین‌المللی (مانند دانشمندان در نقش‌های دولتی) باشند.

آیا استفاده رژیم صهیونیستی از تسلیحات پیشرفته در حملات اخیر را می‌توان نشان‌دهنده الگویی جدید از «تروریسم سایبری-فیزیکی» دانست؟ این الگو چه تهدیدات جدیدی برای حقوق بین‌الملل ایجاد می‌کند؟

استفاده ترکیبی از پهپادهای پیشرفته و عملیات سایبری توسط اسرائیل می‌تواند به‌عنوان الگویی نوظهور از «تروریسم سایبری-فیزیکی» (cyber-physical terrorism) تلقی شود. این الگو شامل بهره‌گیری از فناوری‌های سایبری برای جمع‌آوری اطلاعات، اختلال در سیستم‌های دفاعی یا زیرساختی و سپس اجرای حملات فیزیکی دقیق با پهپادها برای حذف اهداف انسانی یا تخریب زیرساخت‌ها است. این رویکرد نقض اصول حقوق بین‌الملل، از جمله ماده (۴)۲ منشور سازمان ملل متحد (ممنوعیت استفاده از زور) و ماده ۵۱ پروتکل الحاقی اول کنوانسیون‌های ژنو (حفاظت از اشیاء غیرنظامی) است، به‌ویژه زمانی که اهداف غیرنظامی مانند تأسیسات رسانه‌ای یا هسته‌ای مورد حمله قرار می‌گیرند. تهدیدات جدید این الگو برای حقوق بین‌الملل شامل موارد زیر است.

ابهام در attribution: عملیات سایبری-فیزیکی به دلیل پیچیدگی فنی و امکان انکار (deniability)، شناسایی و پاسخ‌گویی حقوقی را دشوار می‌کند.

نقض حاکمیت: حملات سایبری که سیستم‌های دفاعی یک کشور را مختل می‌کنند، نقض حاکمیت سایبری محسوب می‌شوند که هنوز در حقوق بین‌الملل به‌طور کامل تنظیم نشده است.

خطر تشدید مخاصصات: این الگو می‌تواند به‌دلیل دقت بالا و اثرات گسترده، به تشدید غیرقابل کنترل درگیری‌ها منجر شود.

چالش‌های تنظیم‌گری: فقدان کنوانسیون‌های بین‌المللی خاص برای

به‌شدت تحت تأثیر و نفوذ آمریکا و صهیونیست‌ها قرار دارد. به همین دلیل مواضع آلمان‌ها همواره حتی نسبت به مواضع انگلیس و فرانسه علیه رژیم صهیونی عقب‌تر بود. پیوستن دولت‌های اروپایی به روند تحریم تسلیحاتی به این معناست که بسیاری از کمک‌های نظامی بلاعوض مسدود می‌شوند. صهیونیست‌ها برخی تسلیحات را با هزینه کم و بخش بزرگ‌تری را بدون پرداخت هزینه دریافت می‌کردند؛ حالا نه‌تنها خبری از قطعات تسلیحاتی و مواد اولیه نظامی رایگان نیست، بلکه صهیونیست‌ها حتی با وجود پرداخت هزینه‌ها نیز قادر به واردات از منابع قبلی نیستند. تل آویو حالا هم‌زمان با گسترش نیاز با دشواری تأمین روبه‌رو شده است.

۲ در زمان ۷ اکتبر رژیم صهیونی با مخالفتی در غرب برای عملیات زمینی در غزه مواجه نبود. در دوره ورود به جنوب غزه مخالفت‌های اندک و خصوصی توسط دولت جو بایدن، رئیس‌جمهور سابق نسبت به حمله به رفع وجود داشت. در تمام برهه‌های قبلی مخالفت‌های داخلی حداقل در ابتدای عملیات‌ها وجود نداشتند. در دوره کنونی اما جبهه خارجی و داخلی یکپارچه مخالفند. در داخل احزاب اپوزیسیون به‌طور کامل، نهادهای نظامی و امنیتی مسئول شامل موساد، شاباک و ارتش به‌طور کامل و بخش قابل‌توجهی از دولت مخالف عملیات در تمام غزه‌اند. جالب آنکه بتزل اسمو تریج، وزیر دارایی، نفر دوم در وزارت دفاع و عضو کابینه امنیتی در خصوص فشارها و ادامه‌یافتن حمایت‌های ترامپ در صورت تداوم و گسترش جنگ ابراز نگرانی کرده است.

۳ کنترل غزه نیازمند تدارکات وسیع نظامی برای نگهداری و حمایت از ارتش و همچنین اجرای مسئولیت‌های بین‌المللی در برابر جمعیت غیرنظامی منطقه اشغالی است. ایجاد زیرساخت‌ها و اداره آن‌ها به بوجه بزرگی نیاز دارد.

اوضاع انسانی

با تلاش برای کنترل کامل غزه، وضعیت انسانی آن وخیم‌تر خواهد شد.

۱ اگر عملیات نظامی رژیم صهیونیستی تمام غزه را دربر گیرد، این مسئله به معنای تمرکز عملیات در مناطق متراکمی خواهد بود که در مقاطع طولانی جنگ امن اعلام شده بودند.

۲ در حال حاضر مشکل اصلی جامعه جهانی با رژیم صهیونی ممانعتش از ارسال غذا و دارو به غزه است. با اجرای حملات سراسبری اما ضمن کاهش ورود کمک‌ها، پراکنده شدن ساکنان به مشکلات موجود در زمینه توزیع غذا دامن می‌زند.

۳ ورود مناطق امن به محیط عملیات به این معناست که صهیونیست‌ها قصد دارند با وادار کردن مجدد ساکنان به جابه‌جایی، آزار مردمی را تشدید کنند.

نکات

۱ رژیم صهیونی به دلیل مشکلات داخلی و تداوم حیات دولت به ادامه جنگ نیاز دارد؛ اما مسیر برای جنگ افزوری در دیگر جبهه‌ها تا حد زیادی مسدود است. از این‌رو برای انحراف توجه داخلی، رنگ جدیدی به جنگ غزه‌ده شده تا این جنگ ظرفیت تخلیه مشکلات داخلی را بیابد.

اعلام تلاش برای کنترل کامل بر غزه، در حکم این رنگ جدید است.

۲ عملیات آزادسازی اسرا رمز توجیه حملات چند هزارنفری پیش‌روست. صهیونیست‌ها تنها در عملیات نصیرات برای آزادسازی چهار نفر، ۴۰۰ نفر را کشتند. آزادسازی اسرای زنده و یافتن اجساد باقی اسرا می‌تواند به شهادت هزاران نفر منجر شود. هدف اصلی صهیونیست‌ها آزادسازی نیست، زیرا این اقدام با مذکره امکان‌پذیر است. تل آویو به اسرا نیاز دارد تا تجاوزهای خود را در پوششش آن‌ها مشروع جلوه دهد. با این‌حال شکل‌گیری این روند در تل آویو به معنای بی‌نیازی حماس از کارت اسرا نیست. جامعه و طبقه سیاسی رژیم سوءاستفاده تانیاهو از اسرا را تشخیص داده و این مسئله به بی‌اعتمادی در سرزمین‌های اشغالی دامن‌زده است.

■ ■ ■

نگاهی به تناقضات حقوقی و سکوت جامعهٔ جهانی در جنگ ۱۲روزه با رژیم صهیونیستی

حمله به غیرنظامیان؛ تروریسم دولتی یا دفاع مشروع؟

تنظیم حملات سایبری-فیزیکی، خلأ حقوقی ایجاد می‌کند که امکان سوءاستفاده را افزایش می‌دهد. گزارش‌های اخیر نشان می‌دهند که حملات اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران با استفاده از پهپادها و عملیات سایبری هماهنگ‌شده، خطراتی مانند انتشار مواد رادیواکتیو و نقض ایمنی هسته‌ای را به همراه داشته که نقض تعهدات IAEA و کنوانسیون ایمنی هسته‌ای است. این الگو نیازمند توسعه قوانین بین‌المللی جدید برای تنظیم استفاده از فناوری‌های ترکیبی در مخاصصات است.

چرا شورای امنیت سازمان ملل نتوانسته در مورد این حملات موضع قاطع بگیرد؟ آیا وتوی آمریکا نشانگر نقض در نظام بین‌المللی است؟

تاوتانی ششورای امنیت سازمان ملل در اتخاذ موضع قاطع در برابر حملات اسرائیل به ایران عمدتاً به دلیل استفاده آمریکا از حق وتو، به‌عنوان یکی از پنج عضو دائم ششورا است. طبق ماده ۲۷ منشور سازمان ملل، تصمیمات ششورای امنیت در مسائل غیررویه‌ای نیازمند موافقت همه اعضای دائم (آمریکا، روسیه، چین، انگلیس و فرانسه) است. آمریکا به‌طور مداوم از اسرائیل حمایت دیپلماتیک کرده و در موارد متعدد، مانند قطعنامه پیشنهادی برای آتش‌بس در غزه در ژوئن ۲۰۲۵، از وتو استفاده کرده است. نماینده آمریکا در جلسه اضطراری شورای امنیت در ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ اعلام کرد که آمریکا از حملات اسرائیل حمایت نمی‌کند اما آن‌ها را در چهارچوب دفاع مشروع توجیه‌پذیر می‌داند که مانع محکومیت صریح این اقدامات شد. این وضعیت نشان‌دهنده نقص ساختاری در نظام بین‌المللی است، زیرا مکانیسمم وتو امکان افعال استانداردهای دوگانه را فراهم می‌کند و اجرای عدالت بین‌المللی را تضعیف می‌کند. این نقص به‌ویژه در مواردی آشکار است که منافع ژئوپلیتیکی اعضای دائم، مانند حمایت آمریکا از اسرائیل، مانع از اقدام ششورای امنیت برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌شود. کارشناسان سازمان ملل و تحلیلگران حقوقی، مانند مارکو میلانویچ، این وتوها را نشانه‌ای از فرسایش نظم مبتنی بر قوانین بین‌المللی می‌دانند. پیشنهادهایی مانند استفاده از قطعنامه «اتحاد برای صلح» (Uniting for Peace) توسط مجمع عمومی سازمان ملل برای دور زدن وتو مطرح شده، اما این مکانیسم نیز به دلیل محدودیت‌های سیاسی کمتر مؤثر بوده است.